

## اثربخشی معنادرمانی به شیوه هوتزل بر حالات شخصیتی، ضربه عشق و دوسوگرایی به جنس مقابل در دانشجویان دختر با شکست عاطفی

منصوره نیکوگفتار<sup>۱</sup>، علیرضا سنگانی<sup>۲</sup>، انیس احمدی<sup>۳</sup>، ناهید رامک<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۲۳

تاریخ وصول: ۹۵/۱۰/۱۵

### چکیده

حد والایی از روابط انسانی که جنبه‌های شناختی، هیجانی و انگیزشی را در خود جای می‌دهد، می‌تواند بازنمایی از عشق باشد. هدف از انجام این پژوهش، بررسی اثربخشی معنادرمانی به شیوه هوتزل بر حالات شخصیتی، ضربه عشق و دوسوگرایی به جنس مقابل در دانشجویان دختر با شکست عاطفی بود. این پژوهش به روش نیمه آزمایشی از نوع پیش و پس آزمون با گروه کنترل انجام شد. جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان دختر با شکست عاطفی دانشگاه مازندران بود. ۲۸ نفر از دانشجویان (۱۴ نفر گروه آزمایش و ۱۴ نفر گروه کنترل) به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در این پژوهش از سه پرسشنامه، ضربه عشق (LTI)، دوسوگرایی نسبت به جنس مقابل (ASI)، تحلیل رفتار متقابل (حالات شخصیتی) و پروتکل معنادرمانی هوتزل (۲۰۰۲) استفاده شد. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل کواریانس تک متغیره و چند متغیره نشان داد که معنادرمانی بر حالات شخصیتی، ضربه عشق و دوسوگرایی به جنس مقابل در دانشجویان دختر با شکست عاطفی اثربخش است. بر این اساس، استفاده از مبانی معنادرمانی در جهت بهبود وضعیت روانشناختی افراد با تجربه شکست عاطفی قابل توصیه است.

واژگان کلیدی: معنادرمانی، حالات شخصیتی، ضربه عشق، دوسوگرایی به جنس مقابل، شکست عاطفی

۱. استادیار روان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسؤل) mnikoogoftar@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز sangany.psycho@gmail.com

۳. کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

۴. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرگز

## مقدمه

ورود به دانشگاه برای جوانان همراه با تجربه‌های جدید از جمله ارتباط با جنس مقابل یا مکمل است، تغییر موقعیت و دوری از خانواده موجب اولویت یافتن نیازهای عاطفی شده و بر احتمال درگیر شدن در روابط عاطفی با جنس مکمل می‌افزاید، به علاوه، در این دوره سنی، به تدریج یافتن شریک زندگی، به رویداد مهمی در زندگی تبدیل می‌شود و ممکن است پدیده عشق در فرد ظهور یابد (مک کراتی و مگوین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰).

نشانگان ضربه عشق<sup>۲</sup> مجموعه علایم و نشانه‌های شدیدی است که پس از فروپاشی یک رابطه رمانتیک بروز می‌کند، عملکرد فرد را در زمینه‌های متعدد تحصیلی، اجتماعی و حرفه‌ای مختل می‌کند، واکنش‌های غیرانطباقی به دنبال دارد و مدت زمان زیادی این نشانه‌ها باقی می‌ماند نشانگان ضربه عشق به عنوان رویدادی همراه با استرس شدید و تا اندازه‌ای آسیب‌زا تجربه می‌شود (فیلد<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). رویداد ضربه عشق استرس را بر می‌انگیزد و در فرد احساس ناتوانی در کنترل و پیشگیری از رویدادها را ایجاد می‌کند (اشمیت<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۹). رویدادهایی که در ایجاد نشانگان ضربه‌ی عشق سهیم هستند را می‌توان به ضربه عشق نوع یک و دو تقسیم کرد، در ضربه نوع یک، رویدادها غیرمنتظره و ناگهانی هستند و فرد به طور کامل احساس مغلوب شدن می‌کند و در ضربه نوع دو، رویدادها ماهیتی مزمن و تکرار شونده دارند و به طور مداوم انتظارات مطلوب فرد از رابطه در هم ریخته می‌شود (فیشر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴). نشانگان ضربه عشق دارای چهار ویژگی کلیدی شامل برانگیختگی، اجتناب، یادآوری خودکار و بی تفاوتی هیجانی هستند (گیلبرت و سیفر<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱).

برخی از مطالعات (برای مثال صبرا، اسمیت و مهلی<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲) از جمله عوامل اثرگذار در این زمینه را، نگرش افراد نسبت به جنس مقابل دانسته‌اند. نگرش<sup>۸</sup> به معنای طرز تلقی، وجهه، نظر،

- 
1. McCarthy, Maughan
  2. love trauma syndrome
  3. Field
  4. Schmitt
  5. Fisher
  6. Gilbert, & Sifers
  7. Sbarra, Smith, & Mehl
  8. attitudes

طرز فکر، رویه و تمایل به بازخورد است ( اولسون و مایو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳، پتی، ویلر، و تورمالا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳، به نقل از بارون، برن و برنسکامب<sup>۳</sup>، ۱۳۸۸). هر نگرش شامل نوعی جهت گیری قبلی برای انجام کنشی مثبت یا منفی نسبت به اشخاص، اشیاء و رویدادهاست و در زمینه سازی و شکل دهی به رفتارها، ایجاد انگیزه، ارضای نیاز و جهت دهی به گرایش ها نقش مهمی دارد (متسایمولا و مارتیکاینن<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳)، براین اساس، فرایند شکل گیری و اعمال نگرش ها امری اکسپاتی و ناشی از محیط اجتماعی - فرهنگی و زمینه های زیستی - روانی فرد می باشد (کولو و بویلی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). نگرش نسبت به هر شی بر تافته از تعامل است، تعاملی که خود منتج به کنش و واکنش دو طرفه میان ارگانیزم ها است (شمیس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸).

از عوامل مهم موثر بر نگرش می توان به شخصیت اشاره کرد، نظریه تحلیل رفتار و حالات شخصیتی یکی از نظریاتی است که به روابط بین فردی، فرایند حوادث زندگی و واکنش های متقابل افراد توجه بسیار داشته است (لطفی و سعادت شامیر، ۱۳۹۵)، و الگویی سه بخشی از TA حالات نفسانی (والد، کودک، بالغ) و تصویری از ساختار روان شناختی انسان ها ارائه می دهد. این حالات شخصیتی در زمینه هایی که نیاز به درک متقابل، روابط بین فردی و ارتباطات باشد به کار می رود (استورات و جونز<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹) و روشی منظم برای روان درمانی (رشد شخصی)، روش عقلانی برای تجزیه، تحلیل و درک رفتار خویش، کسب آگاهی و قبول مسئولیت در زمان حال با هدف بررسی حالات شخصیتی در روابط و ارائه الگوی ارتباطی بالغ-بالغ است (اکبری، خانجانی، پورشریفی، علیلو و عظیمی، ۱۳۹۱).

در میان مداخلات روان شناختی، درمان های وجودی از جمله معنادرمانی از سابقه تجربی مناسبی برخوردار است (ترخان، ۱۳۹۰) و می تواند برای مقابله با چالش های زندگی، یک ساختار مفهومی را تدارک بیند (آساگبا<sup>۸</sup>، ۲۰۱۵)، این شیوه بر چهار پایه که ریشه در هستی انسان دارند استوار است: اجتناب ناپذیری مرگ، آزادی و مسئولیت ناشی از آزادی، انزوای وجودی و بی معنایی. با این مفروضه اساسی که انسان موجودی نیست که رفتارش در قالب شرایط، قابل

1. Olson & Maio
2. Petty, Wheeler & Tormala
3. Baron, Byrne & Branscomb
4. Metsa-Simola
5. Kulu, & Boyle
6. Schamess
7. Stewart, Joines
8. Asagba

پیش‌بینی باشد، بلکه انسان می‌تواند تصمیم بگیرد تسلیم شرایط گردد و یا آن که مقاومت ورزد (برانز، ۲۰۰۰)، از سوی دیگر، داشتن معنا و هدف در زندگی ارتباط مثبتی با عوامل روان‌شناختی دارد (سوتویک، لودرزت و گاربرد، ۲۰۱۶). هسته مرکزی معنا درمانی این است: «اگر زندگی کردن رنج بردن است، برای زنده ماندن باید ناگزیر معنایی در رنج بردن یافت.» اما هیچ کس نمی‌تواند این معنا را برای دیگری بیابد. هر کس باید معنای زندگی را خودش پیدا کند و مسوولیت آن را بپذیرد (سورکمپ، ۲۰۱۵). از این رو، به نظر می‌رسد معنایابی در زندگی می‌تواند تأثیرات عمیقی بر کاهش مشکلات روانی گروه‌های مختلف بالینی داشته باشد.

همچنین در غالب نظریه‌هایی که بر رشد شخصی و توانایی‌های روان‌شناختی تمرکز دارند، معنا چه به عنوان یک مولفه سرنوشت ساز (ریف و سینگر، ۱۹۹۸) و چه به عنوان نتیجه پیشینه‌سازی توانایی‌های فرد اهمیتی اساسی دارد (رایان و دی‌سای، ۲۰۰۰)، موضوع مشترک و فراگیر در پژوهش‌های حوزه دین و معنویت، ایده یافتن معنا در زندگی است (آفلاکسیر، ۲۰۱۲). وانگ<sup>۷</sup> (۲۰۰۲) هدف و معنا را یک نظام فلسفی روان‌شناختی می‌داند که به افراد کمک می‌کند به‌رغم سوگ یا ناامیدی، بر آنچه از دست‌رفته تمرکز نکنند بلکه در جستجوی معنا باشند (به نقل از هاول، پسمور و بیورو، ۲۰۱۳). در پژوهش یوسفی، جهانبخشی و اصلانی (۱۳۹۱) مشخص شد که معنا درمانی موجب کاهش نشانگان وسواس در مراجعان در آستانه ازدواج می‌شود. همچنین مطالعه خالدیان و سهرابی (۱۳۹۳) نشان داد معنادرمانی به شیوه گروهی در کاهش افسردگی و افزایش امید در سالمندان با سندرم آشیانه خالی موثر است.

از آنجایی که معنادرمانی و شرکت در گروه برای ایجاد حس همدردی و جلوگیری از تنهایی در افراد موثر است، پژوهشگران درصدد هستند که تأثیر روش درمانی را در کاهش علایم روان‌شناختی افراد مبتلا بررسی نمایند. بر این اساس، هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی اثربخشی معنادرمانی به شیوه هوتزل بر حالات شخصیتی، ضربه عشق و دوسوگرایی به جنس مقابل در دانشجویان دختر با شکست عاطفی دانشگاه مازندران بود.

- 
1. Branes
  2. Southwick, Lowthert, & Graber
  3. Surcamp
  4. Ryff & Singer
  5. Ryan, & Deci
  6. Aflakseir
  9. wang
  8. Howell, Passmore, & Buro

## روش

پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان دختر با شکست عاطفی دانشگاه مازندران بود، که با استفاده از مصاحبه مقدماتی و همچنین تکمیل پرسشنامه ضربه عشق (LTI) (با نقطه برش ۲۰) ۲۸ نفر به روش نمونه گیری غیر تصادفی هدفمند انتخاب شدند و بر اساس انتساب تصادفی ۱۴ نفر در گروه آزمایش و ۱۴ نفر در گروه کنترل قرار گرفتند، گروه آزمایش طی ده جلسه بسته آموزشی معنادرمانی را دریافت کرد اما گروه گواه هیچ آموزشی را دریافت نکرد.

ابزار اندازه گیری: پرسشنامه دوسوگرایی نسبت به جنس مقابل (ASI): پرسشنامه دوسوگرایی نسبت به جنس مقابل (گلیک و فیسکه، ۱۹۹۶) با ۲۲ گزاره و سه زیر-مقیاس (پدر سالاری، تمایز جنسی و دگر جنس-گرایی) است. در پژوهش سروقد (۱۳۹۲) که به هنجاریابی این پرسشنامه پرداخته است تعداد گویه‌ها از ۲۲ به ۱۹ گویه کاهش یافت و ۳ گویه به دلیل بار عاملی کمتر از ۰/۳۰ از پرسشنامه حذف شد. طیف این پرسشنامه از نوع لیکرت ۵ گزینه‌ای (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) است. در تحقیقات گلیک و فیسکه (۱۹۹۶) مقدار پایایی به ترتیب برابر با ۰/۸۶ و ۰/۸۹ و با روش باز آزمایی ۰/۹۲ و ۰/۹۵ از راه آلفای کرونباخ به دست آمد.

پرسشنامه تحلیل رفتار متقابل (حالات شخصیتی): این پرسشنامه با ۶۱ سوال توسط انجمن TA اروپا ساخته شده است و میزان استفاده از هریک از حالات شخصیتی (والد، بالغ، کودک) را مورد سنجش قرار می‌دهد، نمره گذاری آن به صورت صفر (پاسخ منفی) و یک (پاسخ مثبت) است. بالاترین درصد نشان دهنده حالتی است که بیشتر توسط فرد مورد استفاده قرار می‌گیرد، و اگر بین بالاترین نمره و نمره بالای بعدی، ۲۰ نقطه درصدی تفاوت بیشتری باشد، حالت شخصیتی در فرد غالب است، همسانی درونی آن در پژوهش اکبری و همکاران (۱۳۹۱) مورد سنجش قرار گرفت و ضریب آلفای به دست آمده برابر با ۰/۷۴ است، که حکایت از روا و پایا بودن ابزار مورد نظر دارد.

پرسشنامه ضربه عشق (LTI): این پرسشنامه که پرسشنامه نشانگان شکست عاطفی نیز نامیده می‌شود، توسط راس (۱۹۹۹) برای سنجش شدت ضربه عشق از ده ماده تشکیل شده است که هر ماده چهار گزینه‌ای است که پاسخ دهنده بر اساس تجربه ضربه عشقی خود مناسب‌ترین گزینه را

1. Ambivalent Sexism Inventory
2. Love Trauma Inventory

انتخاب می‌کند. این پرسشنامه یک ارزیابی کلی از میزان آشفتگی جسمی، هیجانی، شناختی و رفتاری فراهم می‌کند. نمره ۲۰ به عنوان نقطه برش این پرسشنامه در نظر گرفته می‌شود. اگر نمره بین ۲۰ تا ۳۰ باشد به معنای تجربه جدی نشانگان ضربه عشق است. نمره بین ۱۰ تا ۱۹ بیانگر وجود نشانگان ضربه عشقی در حد قابل تحمل‌تری است. نمره بین ۰ تا ۱۰ نشان می‌دهد که نشانگان ضربه عشقی کاملاً در سطح قابل تحمل و کنترل شدنی است و به طور جدی زندگی را تخریب نمی‌کند. در پژوهش دهقانی (۱۳۸۹) ضریب همسانی درونی ۰/۸۱ و پایایی با روش بازآمایی برابر با ۰/۸۳ به دست آمده است.

برنامه آموزشی معادرمانی هوتزل (۲۰۰۲): مجموعه فعالیت‌های سازمان یافته مبتنی بر فنون معادرمانی، با ۱۲ هدف که عبارتند از: (۱) آشنایی با معنا و منابع معنا (۲) یافتن معنا از طریق عشق (۳) یافتن معنا در رنج (۵) یافتن معنا از طریق ارزش‌های آفرینندگی (۶) یافتن معنا از طریق لذت بردن از انجام کار (۷) یافتن معنا از طریق ارزش‌های تجربی (۸) ایجاد توانایی فرارفتن از خود و خندیدن به مشکلات (۹) یافتن معنا از طریق مراجعه به گذشته (۱۰) افزایش احساس مسئولیت برای یافتن معنا در زمان حال (۱۱) مروری مجدد بر منابع یافتن معنا و تطبیق آن با زندگی اعضا و (۱۲) آموزش تکنیک قصد تضاد برای مقابله با ناامیدی. پس از توافق برای شرکت در گروه، جلسات معادرمانی گروهی در کلینیک درمانی تشکیل و محتوای جلسات پژوهش با تکیه بر اصول نظری و فنون معادرمانی و در چارچوب طرح درمانی هوتزل (۲۰۰۲) در ده جلسه ۹۰ دقیقه‌ای اجرا شد. به گروه کنترل هیچ آموزشی داده نشد در پایان جلسات از هر دو گروه پس از آزمون گرفته شد و نتایج دو گروه با یکدیگر مقایسه شد.

جدول ۱. شرح جلسات اجرایی

جلسه	فرایند	تمرین گروهی و تکلیف
۱	معرفی اعضا، ارائه اطلاعات پایه در مورد معادرمانی، پرسش‌های مرتبط با معادرمانی، توضیح فن آگاهی از ارزش‌ها، تمرین	آغاز مسیر «آنچه می‌خواهم باشم»: کشف ارزش‌های خلاق گروهی
۲	شفاف‌سازی ارزش‌های خلاق، بحث درباره پیشرفت و مشکلات مربوط به تکلیف خانه، توزیع برگه ارزش‌ها	تمرین گروهی: دستاوردهای ارضاکننده، تکلیف خانه: کامل کردن کشف ارزش‌های خلاق، تکلیف خانه: آغاز اکتشاف ارزش‌های تجربی
۳	شفاف‌سازی ارزش‌های تجربی، بحث درباره پیشرفت و مشکلات مربوط به تکلیف خانه	تمرین گروهی: رویدادهای اخیر، تمرین گروهی: مردم و افراد مثبت، تمرین گروهی: نمایش‌های هنری، بحث: استقلال در مقابل وابستگی، تکلیف خانه: کامل کردن

<p>اکتشاف ارزش‌های تجربی. تکلیف‌خانه: شروع به اکتشاف ارزش‌های نگرشی</p>	
<p>تمرین گروهی: گفته‌های حکیمانه، تمرین گروهی: آگهی فوت من، تکلیف‌خانه: کامل کردن کشف ارزش‌های نگرشی، تکلیف‌خانه: ساختن سلسله مراتبی از ارزش‌ها</p>	<p>۴ شفاف‌سازی ارزش‌های نگرشی، بحث درباره پیشرفت و مشکلات مربوط به تکلیف‌خانه</p>
<p>تمرین گروهی: تعیین هدف‌ها، دیدگاه‌های متفاوت نسبت به اهداف، بحث گروهی در مورد تمرین اهداف کامل شده</p>	<p>۵ تمرکز بر اهداف، بحث درباره پیشرفت و مشکلات مربوط به تکلیف‌خانه، گسترش دادن: سلسله مراتب ارزش‌ها</p>
<p>شرکت کنندگان اهدافشان را تحلیل می‌کنند و از ارزش‌های رها شده خود آگاهی می‌یابند.</p>	<p>۶ متناسب کردن اهداف با ارزش‌ها، بحث درباره پیشرفت و مشکلات مربوط به تکلیف‌خانه، تحلیل اهداف به منظور متناسب بودن با ارزش‌های شخصی (اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت)، توضیح دادن اهمیت تجربه تمامی ارزش‌های فرد به کمک خودش</p>
<p>بحث: نظرات مرتبط با موضوع تعیین هدف‌های جدید، شرکت کنندگان یک هدف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت جدید را تعیین و ارزشیابی می‌کنند.</p>	<p>۷ تعیین اهداف جدید، بحث درباره پیشرفت و مشکلات مربوط به تکلیف‌خانه، تعیین اهداف جدید برای ارزش‌های رها شده (اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت)</p>
<p>بحث: نظرات مرتبط با موضوع برنامه‌ریزی به منظور تحقق اهداف. تکلیف‌خانه: شرکت کنندگان برای هر یک از اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت، برنامه (طرح) دستیابی به هدف ارائه می‌نمایند. تکلیف‌خانه: نوشتن قسمت اول سناریوی زندگی خویش (از بدو تولد تا لحظه حاضر).</p>	<p>۸ برنامه‌ریزی برای دستیابی به اهداف، بحث گروهی در مورد نتایج تکلیف‌خانه: هر شرکت کننده اهداف جدیدش را با دیگران در میان می‌گذارد، طرح دستیابی به هدف (هدف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت): الف. برنامه‌ریزی، ب. اجرا، ج. ارزشیابی، د. تنظیم و تعدیل.</p>
<p>تمرین گروهی: محاسن و معایب، بحث گروهی: ما در موقعیتی قرار داریم که تغییر یا عدم تغییر را انتخاب می‌کنیم، بحث: تغییر و تعدیل محاسن و معایب، تکلیف‌خانه: محاسن و معایب خود را توصیف کنید، تکلیف‌خانه: محاسن و معایب خود را در طرح برنامه‌ها وارد کنید، تکلیف‌خانه: نوشتن قسمت دوم سناریوی زندگی خویش (از حال تا آینده).</p>	<p>۹ تحلیل وضعیت جاری (بحث گروهی) هر شرکت کننده سه هدفی را که برای تحقق آنها برنامه‌هایی را طرح نموده است با دیگران در میان می‌گذارد،</p>
<p>ارائه یادبود به هر یک از اعضا.</p>	<p>۱۰ شرکت کنندگان مثال‌هایی را در مورد چگونگی وارد کردن محاسن و معایب، در طرح برنامه‌هایشان با دیگران در میان می‌گذارند، گروه چه خط سیری داشته است؟ هر گونه اظهار نظری در مورد گروه، بحث گروهی:</p>

هرگونه تغییری که مشارکت کنندگان به واسطه شرکت در جلسات در خود می‌بینند، اعضای گروه، گروه و روند آن را مورد نقد قرار می‌دهند.

### یافته‌ها

در جدول ۲ آماره‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار نمرات ضربه عشق، دوسوگرایی نسبت به جنس مقابل و تحلیل رفتار متقابل در دو گروه آزمایش و کنترل در مراحل پیش آزمون و پس آزمون ارائه شده است.

جدول ۲. میانگین، انحراف معیار متغیرها در دو گروه

متغیر	آزمون	کنترل		آزمایش
		میانگین	انحراف استاندارد	
ضربه عشق	پیش آزمون	۲۵/۸۵	۵/۱۴	۵/۳۳
	پس آزمون	۲۴/۷۸	۵/۳۲	۳/۲۵
نگرش خصمانه	پیش آزمون	۲۶	۴/۹۱	۵/۱
	پس آزمون	۲۵/۵۷	۴/۴۶	۵/۵۶
نگرش خیرخواهانه	پیش آزمون	۲۷/۵۷	۴/۶۸	۵/۸۵
	پس آزمون	۲۷	۴/۵۶	۴/۹
نگرش دوسوگرایانه	پیش آزمون	۵۳/۵۷	۸/۹۹	۱۰/۰۲
	پس آزمون	۵۲/۵۷	۸/۱۴	۷/۷۶
حالت والد	پیش آزمون	۱۴/۲۸	۲/۴۹	۲/۲۵
	پس آزمون	۱۲/۸۵	۱/۹۹	۲/۸۹
حالت بالغ	پیش آزمون	۱۴/۳۵	۲/۱۶	۲/۵۲
	پس آزمون	۱۵	۲/۲۸	۲/۸۶
حالت کودک	پیش آزمون	۱۴/۵	۲/۷۱	۳/۶۲
	پس آزمون	۱۳	۲/۴۴	۱/۸۸

به طور کلی با توجه به بررسی‌های انجام شده با آزمون شاپیرو و لیک که داده‌ها نرمال است و عدم معناداری آزمون باکس که بیانگر همسانی واریانس‌هاست و همچنین عدم معناداری خطای همسانی واریانس‌ها توسط آزمون لون در متغیرهای پژوهش می‌توان بیان نمود شیب رگرسیون و واریانس داده‌ها همسان و مفروضات اساسی آمار پارامتریک و تحلیل کوواریانس چند متغیره (مانکوا) رعایت شده است.



جدول ۲. نتایج حاصل از تحلیل واریانس چند متغیره بر روی تفاضل نمرات

منبع پراکندگی	متغیرها	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	تحلیل واریانس	معناداری
F	حالت والد	۲۳/۰۷۷	۱	۲۳/۰۷۷	۵/۲۴۹	۰/۰۳۱
	حالت بالغ	۳۱/۱۶۸	۱	۳۱/۱۶۸	۵/۱۷۲	۰/۰۳۳
	حالت کودک	۲۳/۸۱۳	۱	۲۳/۸۱۳	۳/۲۰۲	۰/۰۸۷
	ضربه عشق	۱۲۲/۴۵۴	۱	۱۲۲/۴۵۴	۷/۹۷۴	۰/۰۰۹
	نگرش خصمانه	۹۹/۵۸۰	۱	۹۹/۵۸۰	۴/۵۱۹	۰/۰۴۴
	نگرش خیرخواهانه	۲۲۷/۴۹۴	۱	۲۲۷/۴۹۴	۱۱/۸۰۸	۰/۰۰۲
	نگرش دوسوگرایانه	۶۲۸/۱۰۰	۱	۶۲۸/۱۰۰	۱۰/۹۸۷	۰/۰۰۳

نتایج این آزمون حاکی از آن است که بین خرده مقیاس‌های حالت والد، ضربه عشق، حالت بالغ، نگرش خصمانه، نگرش خیرخواهانه و نگرش دوسوگرایانه، در پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های مطالعه حاضر می‌توان گفت استفاده از معنادرمانی به روش هوتزل بر حالات شخصیتی، ضربه عشق و دو سوگرایی موثر است. این نتایج با یافته‌های یوسفی، ادهمیان و عبدالمحمدی (۱۳۹۵)، لطفی، سعادت‌ی و شامیر (۱۳۹۳)، امان الهی و تردست (۱۳۹۴)، پریمو<sup>۱</sup> (۲۰۱۳)، روجینا و اولیچ<sup>۲</sup> (۲۰۰۶)، دهخدا و پوپال<sup>۳</sup> (۲۰۱۵)، صبرا و همکاران (۲۰۱۲)، اشمیت و همکاران (۲۰۰۹) همسو است، همچنین روجینا و اولیچ (۲۰۰۶) دریافتند که معنادرمانی موجب بهبود برخی از مشکلات روانشناختی افراد می‌شود.

در مطالعه اکبری و همکاران (۱۳۹۰) مشخص شد معنادرمانی می‌تواند حالات شخصیتی را تحت تاثیر قرار دهد. به عقیده اساقبا و واینبرلی (۲۰۱۵) یکی از ویژگی‌های اصلی فرد که از طریق آن می‌تواند چرایی و چگونگی رفتارها را توضیح دهد، جستجوی معنا در مواجهه با مشکلات به ظاهر حل‌نشده یا موقعیت‌های چالش‌انگیز است. از آنجا که عشق و احساس‌های

1. Primeau  
2. Rogina & Quilitch  
3. Dehkhoda & Popal

همراه با شکست عشقی نوعی رفتار توأمان با هیجان است، بر اساس دیدگاه‌های هیجان‌مدار، جلوگیری از ابراز هیجان‌های اولیه موجب آسیب‌زدن به مرز گذاری سالم، خشم ناشی از احترام قائل شدن به خود و سوگواری در مواقع لازم می‌شود (واینر و واینر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶) و اینکه پردازش کافی و مناسب هیجان‌های حل نشده منجر به تبدیل و استحاله آن می‌شود که در موقعیتی دیگر سبب آسیب به فرد می‌گردد (دهخدا و پوپال، ۲۰۱۵). بر این اساس، معنا درمانی با بازنگری در تعریف رنجش افراد سبب می‌شود که فرد در مواجهه با چالش‌های زندگی درصدد یافتن معنایی هستی بخش بوده و در نگرش خود به دنیای پیرامونش بازنگری کند (اولریچوآ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). معنا درمانی، فرایندی است که به دنبال کسب توانایی برای رسیدن به خود واقعی با زمینه‌ای از شخصیت مساله مدار و مبتنی بر واقعیت، گسترش دید نسبت به خود و دنیای اطراف و روشن کردن موضوعاتی است که به زندگی حال و آینده فرد معنا می‌دهد (کمپ و بولتر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴).

اغلب افراد می‌کوشند با یک جایگزین، ضربه عشق را ترمیم و از درد هیجانی فقدان اجتناب کنند، ممکن است در کوتاه مدت و به ظاهر نسبتاً موفق باشند، اما همیشه با خطر پیامدهای سرکوبی نشانگان ضربه‌ی عشق رو به رو هستند و احتمال بروز نشانگان پیچیده‌تری وجود دارد، که تظاهرات آن را می‌توان در چارچوب تغییر نگرش بویژه به جنس مقابل با تنفر، اجتناب از ارتباط، پرخاشگری و در حالات شخصیتی کودکانه و رشد نیافته جست، که در نهایت منجر به گسترش رفتارهای خود تخریبی در افراد مبتلا می‌گردد (وینبورن<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴). همچنین از دیدگاه هیجان‌مدار و زیستی - اجتماعی تغییر، هنگامی روی می‌دهد که عواطف فرد از طریق آگاهی، بیان، تنظیم، بازتاب و دگرگونی هیجان معنا می‌یابند، که این موارد در بطن و اساس معنادرمانی جای دارند و درمانگر از طریق شناسایی و بازنمایی تجربه‌های عشقی و تفکیک هیجان‌های موجود در تجربه و بازگشایی نمادها و سمبل‌های رابطه عشقی، مثلث تجربه را که شامل مؤلفه‌های احساس، شناخت و علائم فیزیولوژیک است (کانتا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶)، برای مراجع زنده کرده و در نتیجه به مراجع کمک کرد تا به عمق احساس خود پی برد. این روش

- 
1. Wyner, & Wyner
  2. Ulrichová
  3. Kemp, & Butler
  4. Winborn
  5. Kantha

درمانی با ایجاد انعطاف در ایجاد بایدها تحت شرایط پرفشار منجر به تعدیل و قضاوت واقع بینانه می‌گردد، به نحوی که فرد را از حالت گزینش شخصی و استنباط‌های شخصی خارج و او را نسبت به محیط منعطف تر می‌کند. از طریق این گونه مداخلات به بیمار کمک می‌شود تا زمان حال و بهبود فعلی خود را ناچیز نشمارد و در گذشته زندگی نکند و بتواند فصلی نو در مسیر زندگی خود با توجه به باورها و اهداف تصحیح شده برگزیند. از میان محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به پنهان بودن جامعه دانشجویان دارای شکست عاطفی اشاره کرد که امکان استفاده از نمونه‌گیری تصادفی را میسر نکرد. با توجه به یافته‌های پژوهش در جهت اثربخشی معنادرمانی بر حالات شخصیتی، شناختی و هیجانی پیشنهاد می‌شود که مشاوران و درمانگران از این روش درمانی به عنوان یک رویکرد اساسی در جهت بهبود و درمان افراد مبتلا به شکست عاطفی استفاده نمایند و به دیگر پژوهشگران توصیه می‌شود که اثربخشی این روش درمانی را در دیگر دامنه‌های سنی، جنسیتی و بالینی بررسی نمایند.

### منابع

- اکبری، ابراهیم؛ خانجانی، زینب؛ پورشریفی، حمید؛ محمود علیلو، مجید؛ عظیمی، زینب. (۱۳۹۱). مقایسه اثربخشی درمان تحلیل رفتار متقابل با درمان شناختی- رفتاری در بهبود علائم مرضی شکست عاطفی دانشجویان. *روان‌شناسی بالینی*، دوره ۴، شماره ۳، صفحه ۸۷-۱۰۱.
- امان الهی، عباس؛ تردست، کوثر. (۱۳۹۴). پیش‌بینی سلامت عمومی بر اساس سبک‌های دلبستگی و تمایزیافتگی در دانشجویان دختر دارای تجربه شکست عاطفی دانشگاه‌های اهواز، فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۱۱ شماره ۳، صفحه ۳۸۵-۴۰۷.
- بارون، رابرت؛ بیرن، دان؛ برنسکامب، نایلا. (۱۳۸۸). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه کریمی، یوسف، ویراست یازدهم، نشر روان.
- ترخان، مرتضی. (۱۳۹۰). اثربخشی معنادرمانی بر استرس ادراک شده و ناامیدی زنان مبتلا به سرطان پستان. *فصلنامه علمی - پژوهشی بیماری‌های پستان ایران*. دوره ۴، شماره ۴، صفحه: ۴۲-۵۰.

- خالدیان، محمد؛ و سهرابی، فرامرز. (۱۳۹۳). اثر بخشی معنا درمانی به شیوه گروهی بر کاهش افسردگی و افزایش امید در سالمندان آشیانه خالی. *فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی*، دوره ۴، شماره ۱۵، صفحه ۷۹-۱۰۳.
- لطفی، نرگس؛ سعادت‌ی شامیر، ابوطالب. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی با شکست عاطفی. *مجله پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، دوره ۶، شماره ۱، صفحه ۹۸-۱۱۲.
- یوسفی، ناصر؛ جهان‌بخشی، زهرا؛ اصلانی، خالد. (۱۳۹۱). آموزش اثربخشی تاثیر گشتالت درمانگری و معنادرمانگری بر کاهش نشانگان وسواس مراجعان در آستانه ازدواج. *فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی*، دوره ۶، شماره ۲، صفحه ۱-۲۶.
- یوسفی، رحیم؛ ادهمیان، الهام؛ عبدالمحمدی، کریم. (۱۳۹۵). نقش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، صفات شخصیت و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی علائم نشانگان ضربه عشق دانشجویان دختر. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، دوره ۱۴، شماره ۳، صفحه ۱۷۱-۱۹۰.

- Aflakseir, A. (2012). Religiosity, personal meaning, and psychological well-being: A study among Muslim students in England. *Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology*, 9(2), 27-31.
- Asagba, R. B., & Winberly, C. (2015). Developing a logotherapeutic model for understanding victims of sexual assault. *Gender and Behaviour*, 13(2), 6784-6788.
- Barnes, R. C. (2000). Viktor Frankl's logotherapy: Spirituality and meaning in the new millennium. *Journal of Professional Counseling, Practice, Theory, & Research*, 28(1), 24.
- Dehkhoda, F., & Popal, A. (2015). The Effect of Group Therapy Based on Logotherapy on Love Trauma Syndrome. *International Journal of Health Sciences and Research (IJHSR)*, 5(10), 286-289.
- Field, T. (2011). Romantic Breakups, Heartbreak and Bereavement. *Psychology*, 2(4), 382-387.
- Fisher, H. E. (2014). The Tyranny of Love: Love Addiction-An Anthropologist's View. In K. P. Rosenberg, L. G. Feder (Eds.), *Behavioral Addictions*, (237-265). London, NW: Academic Press.
- Gilbert, S. P., & Sifers, S. K. (2011). Bouncing Back from a Breakup: Attachment, Time Perspective, Mental Health, and Romantic Loss. *Journal of College Student Psychotherapy*, 25(4), 295-310.

- Howell, A. J., Passmore, H. A. & Buro, K. (2013). Meaning in nature: meaning in life as a mediator of the relationship between nature connectedness and well-being. *Journal of Happiness Studies*, 14(6), 1681-1696.
- Kantha, S. S. (2016). Love Bites or Monkey Bites: A Medical Trauma of a Kind. *International Medical Journal*, 23(1), 3-6.
- Kulu, H., & Boyle, P. (2010). Premarital cohabitation and divorce: Support for the " Trial Marriage" Theory?. *Demographic Research*, 23(11), 879-904.
- Kemp, R., & Butler, A. (2014). Love, Hate And The Emergence Of Self In Addiction Recovery. *Existential Analysis: Journal of the Society for Existential Analysis*, 25(2), 257-268.
- McCarthy, G. Maughan, B. (2010). Negative childhood experiences and adult love relationships: The role of internal working models of attachment. *Attachment & Human Development*; 12(5): 445-461.
- Metsä-Simola, N., & Martikainen, P. (2013). The short-term and long-term effects of divorce on mortality risk in a large Finnish cohort, 1990-2003. *Population studies*, 67(1), 97-110.
- Primeau, J. E. (2013). Romantic Breakup and College Student Adjustment: Attachment Dimensions, Patterns of Grief, and Sex. Unpublished Ph. D Thesis.
- Rogina, J. M., & Quilitch, H. R. (2006). Treating Dependent Personality Disorders with Logotherapy: A Case Study. *In International Forum for Logotherapy*. Viktor Frankl Inst of Logotherapy.
- Ryff, C. D., & Singer, B. (1998). The contours of positive human health. *Psychological inquiry*, 9(1), 1-28.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). Intrinsic and extrinsic motivations: Classic definitions and new directions. *Contemporary educational psychology*, 25(1), 54-67.
- Sbarra, D. A., Smith, H. L., & Mehl, M. R. (2012). When leaving your ex, loveyourself: observational ratings of self-compassion predict the course of emotional recovery following marital separation. *Journal of Psychological Science*, 23(3): 261-269.
- Schmitt, D. P. Youn, G. Bond, B. Brooks, S. Frye, H. Johnson, S. Klesman, J. Peplinski, C. Sampias, J. Sherrill, M. Stoka, C. (2009). When will I feel love? The effects of culture, personality, and gender on the psychological tendency to love. *Journal of Research in Personality*; 43:830-846.
- Schamess, A. G. (2008). Group Counseling and Psychotherapy with Childeren and Adolescents. *Interational Journal of Group psychotherapy*; 58(1), 58-68.

- Stewart, L., Joines, V. (2009). *TA today Today: A new introduction to transactional analysis*. 3 ed. North Carolina: Lifespace Publication.
- Surcamp, J. R. (2015). Applied Logotherapy for the Treatment of Post-Traumatic Stress Disorder in Men and Women United States Army Veterans.
- Southwick, S. M., Lowthert, B. T., & Graber, A. V. (2016). Relevance and application of logotherapy to enhance resilience to stress and trauma. In *Logotherapy and existential analysis*. Springer, Cham.
- Ulrichová, M. (2012). Logo Therapy and Existential Analysis in Counselling Psychology as Prevention and Treatment of Burnout Syndrome. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 69, 502-508.
- Winborn, M. (2014). *Shared Realities Participation Mystique and Beyond*. Fisher King Press.
- Wyner, G. B., & Wyner, J. D. (2016). You and I: psycho-spiritual health and the voice of love. *NeuroQuantology*, 14(2), 272-284.